

ایمان حضرت ابوطالب

۲	مقدمه
۴	راه اول؛ بررسی آثار علمی
۶	راه دوم؛ طرز رفتار و کردار او در میان جامعه
۷	موضع ابوطالب در آغاز بعثت
۸	راه سوم؛ عقیده دوستان و نزدیکان
۹	روایت اول
۹	روایت دوم
۱۱	روایت سوم
۱۰	روایت چهارم
۱۲	روایت پنجم
۱۲	روایت ششم
۱۱	روایت هفتم
۱۳	روایت هشتم
۱۲	روایت نهم
۱۴	روایت دهم
۱۵	روایت یازدهم
۱۶	روایت دوازدهم
۱۶	روایت سیزدهم
۱۷	روایت چهاردهم
۱۹-	جمع بندی

اعمال و رفتار و موضع گیری های اجتماعی هر فردی حکایت از باورهای اعتقادی او دارد. حال اگر این جهت گیری ها در راستای تحقق آرمانهای دینی در جوی مملو از خفقان صورت پذیرد، به طور قطع کاشف از عمق باورهای دینی فرد مذکور است؛ در چنین شرایطی نسبت دادن عدم پایبندی به دین و کفر و شرک به چنین شخصی، نشان از جهل و یا غرض ورزی و کینه توزی اشخاص نسبت دهنده، می باشد. حضرت ابوطالب علیه السلام شخصیتی است که از ناحیه بعضی از افراد مورد بی مهری قرار گرفته است.

وقتی دین مبین اسلام در شبه جزیره توسط رسول خدا صلی الله علیه وآله ظهور نمود، با مخالفت های سران مشرکان مکه مواجه شد زیرا مواضع خود را در خطر می دیدند و اسلام به طور مستقیم جایگاه و فرهنگ غلط آنها را هدف قرار داده بود؛ مشرکان برای مقابله با پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله از هیچ راهی فروگذار نکردند و برای خاموش کردن نور پر فروغ این دین الهی راههایی همچون تطمیع و تهدید را پیش گرفتند. در این بین حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب علیهما السلام تنها حامیان محکم حضرت محمد صلی الله علیه وآله بودند که به انحاء مختلف برای به ثمر رساندن نهال نوپای اسلام از هیچ تلاشی دریغ نکردند.

در برخی از کتب مخالفان تشیع، جملاتی در مورد حضرت ابوطالب دیده می شود، که حکایت از کم لطفی یا سیاست ورزی نویسندگان آن کتاب ها؛ نسبت به شخصیت حضرت ابو طالب «علیه السلام» دارد. جای شک نیست که اگر یک دهم گواه هایی که بر ایمان و اسلام حضرت ابوطالب علیه السلام نقل شده است، درباره هر فرد دیگری آمده بود، همگی بالاتفاق اسلام و ایمان او را تصدیق می کردند؛ ولی چگونه است که با وجود ده ها شاهد محکم بر ایمان او، باز گروهی وی را تکفیر کرده اند و حکم به کفر و عذاب او نموده اند و گفته اند که برخی از آیات که درباره عذاب است، در حق ابوطالب نازل گردیده است؟

به راحتی می توان فهمید که هدف از طرح این مسأله، جز طعن فرزندان ابوطالب، به ویژه امیرمؤمنان «علی علیه السلام» چیز دیگری نیست. برخی از نویسندگان اهل تسنن برای این که بهتر بتوانند ابوطالب را تکفیر کنند،

دامنه بحث را به پدران پیامبر «صلي الله عليه و آله وسلم» کشانیده اند و پدر و مادر آن حضرت را نیز کافر قلمداد نموده اند.

مسلم است که در موضوع نسب و نژاد، بعد از شخص خاتم الانبياء «صلي الله عليه و آله وسلم» کسی به شرافت امیر المومنین «عليه السلام» نمی رسد. روایتی در کتب اهل سنت نقل شده است که به همین مضمون اشاره می کند:

أبا الحسن أحمد بن القاسم بن الريان قال: سمعت عبد الله بن أحمد بن حنبل، يقول: حدث أبي بحديث سفينة فقلت: يا أبة، ما تقول في التفضيل؟ قال: في الخلافة أبو بكر وعمر وعثمان. فقلت: فعلي بن أبي طالب؟ قال: يا بني، علي بن أبي طالب من أهل بيت لا يقاس بهم أحد.

ابن الجوزي، أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد بن علي (متوفاي ۵۹۷هـ)، مناقب الإمام أحمد ج ۱ ص ۲۱۹، تحقیق: د. عبد الله بن عبد المحسن التركي، دار النشر: دار هجر، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۹ هـ.

أحمد بن القاسم بن الريان می گوید: از عبدالله بن احمد بن حنبل شنیدم که گفت: «پدرم به حدیث سفینه سخن گفت، وقتی در مورد فضیلت صحابه از پدرم، احمد بن حنبل سؤال کردم، گفت: ابوبکر، عمر و عثمان. گفتم: پس جایگاه علی ابن ابی طالب علیه السلام کجاست؟

پدرم گفت: علی علیه السلام از اهل بیت پیامبر است و صحابه را نباید با او قیاس کرد

از طرف دیگر، طبق آنچه که از کتب تاریخی و انساب استخراج می شود، نیاکان حضرت امیر المومنین «علیه السلام» برخلاف دیگران، همگی تا آدم ابوالبشر «علیه السلام» موحد و خدا پرست بودند و در صلب و رحم ناپاکی قرار نگرفتند.

طرز تفکر و عقیده هر شخصی را از چند راه می توان به دست آورد:

الف: بررسی آثار علمی و ادبی که از او مانده است

ب: طرز رفتار و کردار او در میان جامعه

ج: عقیده دوستان و نزدیکان او

عقیده و ایمان ابوطالب را از سه راه یاد شده می توان اثبات کرد

راه اول؛ بررسی آثار علمی

اشعار و سروده های حضرت ابوطالب علیه السلام کاملاً بر ایمان و اخلاص او گواهی می دهد. اشعار ابوطالب گنجینه ای علمی و ادبی است که دارای مضامین عالی توحیدی می باشد. برای نمونه به چند بیت آن اشاره می شود:

لیعلم خیار الناس أنّ محمّدا * * * وزیر لموسی و المسیح بن مریم

أتانا بهدی مثل ما أتیا به * * * فكلّ بأمر الله یهدی و یعص

الطبرسی، **أبی منصور أحمد بن علی بن أبی طالب (متوفای ۵۴۸هـ)**، الاحتجاج ص ۲۳۳، تحقیق: تعلیق

وملاحظات: **السید محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ م.**

اشخاص شریف و فهمیده بدانند که محمد «صلي الله عليه و آله وسلم» بسان موسی و مسیح، پیامبر است. او هدایت را برای ما به ارمغان آورد، همان گونه که مسیح و موسی و تمام پیامبران به فرمان خدا مردم را راهنمایی و از گناه باز می دارند

تمنیتم ان تقتلوه و ائما * * * اما یتکم هدی كأحلام نائم

نبی اتاه الوحی من عند ربّه * * * و من قال: لا یقرع بها سنّ نادم

الطرائف ؛ ص ۴۵۴

سران قریش! تصور کرده‌اند، که می‌توانید بر او دست بیابید، در صورتی که آرزوی را که در سر می‌پرورانید، کمتر از خوابهای آشفته نیست! ... او پیامبر است وحی از ناحیه خدا بر او نازل می‌گردد و کسی که بگوید نه، انگشت پشیمانی به دندان خواهد گرفت

وَ اللَّهُ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ بِجَمْعِهِمْ *** حَتَّى أَوْسَدَ فِي التُّرَابِ ذَفِيناً

فَاصْدَعْ بِأَمْرِكَ مَا عَلَيْكَ غَضَاةٌ *** وَ أَنْشُرْ بِذَاكَ وَ قَرَّ مِنْكَ عُيُونَا

ابن شهر آشوب، رشید الدین ابی عبد الله محمد بن علی السروی المازندرانی (متوفای ۵۸۸هـ)، مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۸۵، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، ۱۳۷۶هـ - ۱۹۵۶م. ای برادر زاده ام هرگز قریش به تو دست نخواهند یافت و تا آن روزی که لحد را بستر کنم و در میان خاک بخوابم، دست از یاری تو بر نخواهم داشت. آنچه را مأموری، آشکار کن و از هیچ چیز مترس و بشارت ده و چشمانی را روشن ساز.

وَ دَعَوْتِي وَ زَعَمْتَ أَنَّكَ نَاصِحِي *** وَ لَقَدْ صَدَقْتَ وَ كُنْتَ قَبْلُ أَمِيناً

وَ عَرَضْتَ دِيناً لَا مَحَالََةَ أَنَّهُ *** مِنْ خَيْرِ أَدْيَانِ الْبَرِّيَّةِ دِينَا

الحلی، یحیی بن الحسن السدی المعروف بابن البطریق، (متوفای ۶۰۰هـ) عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الأبرار ص ۴۱، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة: جمادی الأولى ۱۴۰۷ مرا به آئین خود خواندی و می دانم تو پند دهنده من هستی و در دعوت خود امین و درستکاری. حقا که کیش محمد صلی الله علیه و آله از بهترین آیین هاست!

از اشعار معروف ابوطالب که دلالت بر ایمان او دارد، قصیده های «لامیه» و «میمنه» او می باشد:

لعمري لقد كلفت وجدا بأحمد *** و أحبته حب الحبيب المواصل

وجدت بنفسی دونه و حمیته * * * و دارأت عنه بالذرا و الکلاکل

فأیده رب العباد بنصره * * * و أظهر دینا حقه غیر باطل

الکراچکی، الامام العلامة أبی الفتح محمد بن علی بن عثمان (متوفای ۴۴۹هـ)، کنز الفوائد؛ ج ۱؛ ص ۱۷۹، ناشر:

دارالذخائر، قم - ایران، سال چاپ: ۱۴۱

به جان خودم! به قدری به واسطه وجود احمد صلی الله علیه و آله در وجد و سرور غوطه ورم که وجد را به زحمت آورده ام؛ زیرا او را به قدری دوست می دارم مانند کسی که دوست خود را به سینه گرفته باشد. جان خود را نثار او کنم و حمایت از او نمایم به اعضای رئیس و غیر رئیس خود. خداوند او را پاینده بدارد که جمال اهل دنیا است و نعمت دشمنان و زینت هر کوی و محفل است. پروردگار بندگان او را با توفیقات خود تأیید و یاری نمود و ظاهر و محقق کرد دین حقی را که باطل در او راه نداشت.

از دیگر اشعار او که صراحت بر ایمان ابوطالب دارد، شعری است که ابن ابی الحدید در جلد سوم شرح نهج البلاغه آورده است:

أئی علی دین النبّی احمد

یا شاهد الله علی فاشهد

من ضلّ فی الدّین فائی مهتد

ابن ابی الحدید، وفات: ۶۵۶، شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۷۸، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر: مکتبه آیه الله

المرعشی النجفی

ای گواهان! شاهد باشید که من بر دین پیغمبر خدا احمد صلی الله علیه و آله استوارم. هر کس از آن خارج است، باشد. من به او هدایت شدم.

هر بخش از این اشعار، حکایت از عقائد استوار حضرت ابوطالب دارد که هر یک به تنهایی در اثبات ایمان و اخلاص گوینده آن کافی است.

راه دوم؛ طرز رفتار و کردار او در میان جامعه

راه دوم، نوع رفتار حضرت ابوطالب علیه السلام با پیامبر «صلي الله عليه و آله وسلم» و نحوه فداکاری و دفاع او از ساحت اقدس رسول خداست. هر کدام از آن خدمات می تواند آینه فکر و روشنگر روحیات او باشد. پایه اعتقاد او به فرزند برادر، تا آن حد است که او را همراه خود به مصیبت برد و خدا را به مقام او قسم داد و باران رحمت طلبید. وی در راه حفظ رسول خدا «صلي الله عليه و آله وسلم» از پای ننشست و سه سال زندگی در شکاف کوه و اعماق دره را بر ریاست و سیادت مکه ترجیح داد، تا آن جا که این وضعیت او را فرسوده ساخت و باعث رحلت او گردید.

ایمان ایشان به رسول خدا «صلي الله عليه و آله وسلم» به قدری محکم بود که راضی شد تمام فرزندانش کشته شوند، ولی پیامبر «صلي الله عليه و آله وسلم» زنده بماند.

ابوطالب شب ها علی «علیه السلام» را در رختخواب پیامبر «صلي الله عليه و آله وسلم» می خوابانید تا اگر سوء قصدي در کار باشد، به پیامبر «صلي الله عليه و آله وسلم» اصابت نکند. او حاضر شد تمام سران قریش به عنوان انتقام کشته شوند و طبعاً تمام قبیله بنی هاشم نیز کشته می شد.

موضع ابوطالب در آغاز بعثت

روزی که پیامبر «صلي الله عليه و آله وسلم» تمام خویشاوندان خود را جمع کرد و آیین اسلام را بر آنان عرضه نمود، ابوطالب به او گفت: «برادر زاده ام! قیام کن! تو والامقامی! حزب تو گرامی ترین حزب هاست! تو فرزند

مرد بزرگی هستی! هرگاه زبانی تو را آزار دهد، زبان های تیزی به دفاع تو برمی خیزد. به خدا سوگند! اعراب مانند خضوع بچه حیوان نسبت به مادرش در پیشگاه تو خاضع خواهند شد.»

فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۰۳.

ایشان در هر حالتی از حضرت رسول اکرم «صلی الله علیه واله وسلم»، دفاع می کردند، و اسناد تاریخی بهترین گواه و شاهد بر این ادعا می باشد، کتب اهل سنت نیز بر این مدعا مهر تایید زده و پشتیبانی ابوطالب «علیه السلام» را از پیامبر «صلی الله علیه واله وسلم» را با اسناد متعددی نقل کرده اند.

ابویعلی در این زمینه چنین نقل می کند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْرٍ، حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ بُكَيْرٍ، حَدَّثَنَا طَلْحَةُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُوسَى بْنِ طَلْحَةَ، حَدَّثَنَا عَقِيلُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: جَاءَتْ قُرَيْشٌ إِلَى أَبِي طَالِبٍ فَقَالُوا: إِنَّ ابْنَ أَخِيكَ يُؤْذِينَا فِي نَادِيْنَا، وَفِي مَسْجِدِنَا، فَأَنْهَاهُ عَنْ أَدَانَا، فَقَالَ: يَا عَقِيلُ: انْتَبِي بِمُحَمَّدٍ، فَذَهَبْتُ فَأَتَيْتُهُ بِهِ، فَقَالَ: يَا ابْنَ أَخِي، إِنَّ بَنِي عَمِّكَ يَزْعُمُونَ أَنَّكَ تُؤْذِيهِمْ فِي نَادِيهِمْ، وَفِي مَسْجِدِهِمْ، فَأَنْتَهُ عَنْ ذَلِكَ قَالَ: فَحَلَّقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَصْرَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: «أَتَرُونَ هَذِهِ الشَّمْسَ؟». قَالُوا: نَعَمْ قَالَ: «مَا أَنَا بِأَقْدَرَ عَلَى أَنْ أَدَعَ لَكُمْ ذَلِكَ عَلَى أَنْ تَسْتَشْعَلُوا لِي مِنْهَا شُغْلَةً».

قَالَ: فَقَالَ أَبُو طَالِبٍ: مَا كَذَّبْنَا ابْنَ أَخِي، فَارْجِعُوا

[حکم حسین سلیم أسد]: [إسناده قوي]

أبو يعلي الموصلي التميمي، أحمد بن علي بن المثنى (متوفى ۳۰۷ هـ)، مسند أبي يعلي ج ۱۲ ص ۱۷۶، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ هـ - ۱۹۸۴ م.

عقيل بن ابی طالب می گوید: عده ی از قریش نزد حضرت ابوطالب علیه السلام آمدند و گفتند: پسر برادر تو ما را در مسجد و محل اجتماعمان آزار می دهد، از او بخواه از اذیت ما خودداری کند، ابوطالب علیه السلام فرمود ای عقیل محمد «صلی الله علیه واله وسلم» را برای من بیاور، عقیل گوید محمد «صلی الله علیه واله وسلم» را آورد، ابوطالب فرمود؛ ای پسر برادرم، پسر عموهای تو گمان می کنند که شما آنها را آزار می دهی پس از آن

اجتناب کن، سپس حضرت رسول اکرم نگاه به آسمان کردند، وگفتند آیا خورشید را می بینید؟ گفتند بله، فرمودند من نمی توانم آنچه را برای شما آوردم ترک کنم حتی در مقابل اینکه شعله ی از این خورشید را برای من بیاورید، پس ابوطالب فرمود برادر زاده ی من دروغ نمی گوید، برگردید.

همچنین در بعضی از سروده های ابوطالب که در کتب اهل سنت نقل شده، این مساله به روشنی نمایان شده و حکایت از دفاع مجدانه ابوطالب از برادر زاده خویش دارد:

فلسنا و رب البيت نسلم أحمدا * لعزاء من عض الزمان و لا كرب

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای ۷۷۴هـ)، البداية والنهاية ج ۳ ص ۳۱۰، ناشر: دار ابن کثیر

قسم به خدای بیت الله الحرام که ما رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را تسلیم شما نخواهیم کرد. هرچه که بر ما فشار بیاورید و مشکلات بر ما افزوده شود.

راه سوم؛ عقیده دوستان و نزدیکان

از آن جا که اهل خانه بهتر می دانند که درخانه چیست و چه می گذرد، ایمان ابوطالب را باید از زبان اهل بیت علیهم السلام شنید:

روایت اول

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ رَفَعَهُ قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وسلم على عمه أبي طالبٍ وَهُوَ مُسَجَّى فَقَالَ يَا عَمَّ كَفَلْت يَتِيمًا وَرَبَّيْت صَغِيرًا وَنَصَرْت كَبِيرًا فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا ثُمَّ أَمَرَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِغُسْلِهِ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، الأمالي ص ٤٠٤، تحقيق و نشر: قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ.

حضرت رسول اکرم بر ابوطالب وارد شدند و فرمودند: اي عمو در کوچکی مرا تربیت نمودی و در یتیمی مرا کفالت کردی و در بزرگی ام مرا یاری نمودی پس خداوند بهترین پاداشها رابه تو عنایت کند. سپس به حضرت امیر المومنین «علیه السلام» امر فرمودند که او را غسل دهند.

روایت دوم

حضرت امیر المومنین «علیه السلام» فرمودند:

عن الصادق عن آبائه عليهم السلام ان امير المؤمنين كان ذات يوم جالسا في الرحبة، والناس حوله مجتمعون، فقام اليه رجل فقال: يا امير المؤمنين انت بالمكان الذي أنزلك الله به وأبوك معذب في النار؟ فقال له علي بن أبي طالب: مه فض الله فاك، والذي بعث محمدا بالحق نبيا لو شفع أبي في كل مذنب علي وجه الارض لشفعه الله فيهم، أبي معذب في النار وابنه قسيم الجنة والنار؟ ! والذي بعث محمدا بالحق نبيا ان نور أبي يوم القيامة ليطفئ أنوار الخلايق كلهم الا خمسة أنوار: نور محمد صلي الله عليه واله، ونوري، ونور الحسن، ونور الحسين، ونور تسعة من ولد الحسين، فان نوره من نورنا خلقه الله تعالى قبل ان يخلق آدم عليه السلام بالفي عام

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي ص ٣٠٥، تحقيق : قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم ، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.

امام صادق از پدر گرامیشان نقل کرد که روزی امیر المومنین در فضای مسجد نشسته بود و مردم گرد او جمع بودند که مردی برخاسته و گفت: ای امیر المومنین چگونه است که شما در مکانی هستی که خداوند شما را در آن مکان قرار داده، در حالیکه پدرت به آتش دوزخ در عذاب است؟

حضرت فرمود: خدا زبانت را ببرد! به خدایی که محمد را به پیامبری مبعوث فرمود، اگر پدرم تمام گناهکاران زمین را شفاعت کند خداوند آن را بپذیرد، مگر می شود پدرم در آتش عذاب باشد و پسرش تقسم کنند بهشت و جهنم باشد؟ قسم به آنکه محمد را به پیامبری مبعوث فرمود بی شک نور پدرم در روز قیامت همه انوار خلائق جز نور پنج نور: نور محمد، نور من و نور حسن و نور حسین و نور نه فرزند از اولاد حسین را خاموش و بی اثر می کند، زیرا نور او از نور ماست و خداوند آن را دوهزار سال قبل از خلق آدم آفریده است

روایت سوم

حضرت امام صادق «علیه السلام» فرمودند:

وَ اللَّهُ إِنْ إِيْمَانَ أَبِي طَالِبٍ لَوْ وُضِعَ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ وَ إِيْمَانُ هَذَا الْخَلْقِ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ لَرَجَحَ إِيْمَانُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى

إِيْمَانِهِمْ

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۳۵؛ ص ۱۱۲، تحقیق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

اگر ایمان ابوطالب را در یک کفه ترازو و ایمان این مردم را در کفه دیگر قرار دهند ایمان ابوطالب فزونی خواهد داشت.

روایت چهارم

حضرت امام باقر «علیه السلام» فرمودند:

كَانَ وَاللَّهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَأْمُرُ أَنْ يُحَجَّجَ عَنْ أَبِي طَالِبٍ فِي حَيَاتِهِ،

المجلسي، محمد باقر (متوفى ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۳۵ ؛ ص ۱۱۲، تحقيق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

اميرمؤمنان دستور مي داد از طرف ابوطالب حج به جا آورند.

روایت پنجم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مَثَلَّ أَبِي طَالِبٍ
مَثَلُ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، أَسْرُوا الْإِيمَانَ وَ أَظْهَرُوا الشُّرْكَ، فَأَتَاهُمُ اللَّهُ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي ج ۲ ص ۶۲، ناشر: دار الحديث،

قم-ایران، الطبعة الاولى، ۱۴۲۹هـ.

حضرت ابوطالب؛ بسان اصحاب كهف است كه در دل ايمان داشتند و تظاهر به شرك مي نمودند. از اين جهت

دوبار مأجور خواهند بود.

روایت ششم

عن ابي عبدالله الصادق عليه السلام قال: نزل جبرئيل عليه السلام علي النبي صلي الله عليه و آله فقال: يا محمد!
ان ربك يقرئك السلام و يقول: اني قد حرمت النار علي صلب انزلك و بطن حملك و حجر كفلك فالصلب صلب
ايبك ابيه عبدالله بن عبدالمطلب و البطن الذي حملك آمنة بنت وهب و اما حجر كفلك فحجر ابي طالب.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الأصول من الكافي ج ۱ ص ۴۴۶، ناشر:

اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

امام صادق «عليه السلام» فرمود: جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: «من حرام کردم آتش را بر صلیبی که تو را حمل کرد و شکمی که تو را پروراند و دامنی که تو را متکفل شد؛ پس صلب یعنی پدرت عبدالله و شکم یعنی مادرت آمنه و دامن یعنی عمویت ابوطالب.

روایت هفتم

وَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ عَنْ رِجَالِهِ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنِ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَخْبَرَنِي الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَّ أَبَا طَالِبٍ شَهِدَ عِنْدَ الْمَوْتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۳۵ : ص ۱۱۳، تحقیق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

عباس بن عبدالمطلب گوید: همانا ابوطالب هنگام مرگ شهادتین را گفت

روایت هشتم

امام صادق «عليه السلام» فرمودند:

مَا مَاتَ أَبُو طَالِبٍ حَتَّى أُعْطِيَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ نَفْسِهِ الرِّضَا

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۳۵ : ص ۱۱۳، تحقیق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

ابوطالب وفات نیافت مگر آنکه رسول اکرم را از خود راضی کرد

وَإِسْنَادِهِ إِلَى أَبَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ يُونُسَ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» أَنَّهُ قَالَ يَا يُونُسُ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي إِيْمَانِ أَبِي طَالِبٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَقُولُونَ هُوَ فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نَارٍ يَغْلِي مِنْهَا أُمَّ رَأْسِهِ فَقَالَ كَذَبَ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِنَّ أَبَا طَالِبٍ مِنْ رُفَقَاءِ النَّبِيِّينَ وَ الصَّدِيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا

الکراچکی، الامام العلامة أبي الفتح محمد بن علي بن عثمان (متوفای ۴۴۹هـ)، کنز الفوائد؛ ج ۱؛ ص ۱۸۳، ناشر:

دارالذخائر، قم - ایران، سال چاپ: ۱۴۱

«محمد بن یونس» از پدرش از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت به من فرمود: ای یونس مردم در باره ابو طالب چه می گویند؟ عرض کردم فدایت شوم می گویند: «هو في ضحضاح من نار و في رجليه نعلان من نار تغلي منهما ام رأسه»: ابو طالب در مایعی از آتش و در پاهایش کفشی از آتش است که مغزش را می جوشاند.

ایشان فرمودند: دروغ می گویند دشمنان خدا، ابو طالب از رفقای پیامبران و صدیقین و شهداء است که نیکو رفقای هستند.

روایت دهم

أَبَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى الْإِمَامِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ شَكَّكْتُ فِي إِيْمَانِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ فَكَتَبَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ فَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّى إِنَّكَ إِنْ لَمْ تُقِرَّ بِإِيْمَانِ أَبِي طَالِبٍ كَانَ مَصِيرُكَ إِلَى النَّارِ

الکراجکی، الامام العلامة أبي الفتح محمد بن علي بن عثمان (متوفای ۴۴۹هـ)، کنز الفوائد؛ ج ۱؛ ص ۱۸۲، ناشر:

دارالذخائر، قم - ایران، سال چاپ: ۱۴۱

ابان بن محمد گفت: به امام رضا «علیه السلام» نامه ی نوشتم و گفتم؛ جانم فدای شما من به ایمان ابوطالب شک کردم، پس امام فرمودند: بسم الله الرحمن الرحيم «فمن يتبع غير سبيل المومنين نوله ماتولى» اگر به ایمان ابوطالب اقرار نکنی راه تو به سوی جهنم و آتش می باشد.

روایت یازدهم

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قِيلَ لَهُ إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ أَبَا طَالِبٍ كَانَ كَافِرًا فَقَالَ كَذَبُوا كَيْفَ يَكُونُ كَافِرًا وَهُوَ يَقُولُ:

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا * نَبِيًّا كَمُوسَى خُطَّ فِي أَوَّلِ الْكُتُبِ

وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ كَيْفَ يَكُونُ - أَبُو طَالِبٍ كَافِرًا وَهُوَ يَقُولُ

لَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ ابْنَنَا لَا مُكْذَبَ * لَدَيْنَا وَلَا يَغْبُؤُ الْإِبْطَالِ

وَأَيْضُ يُسْتَسْقَى الْعَمَامُ بِوَجْهِهِ * ثِمَالُ الْيَتَامَى عِصْمَةٌ لِلْأَرْمِلِ.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأصول من الكافي ج ۱ ص ۴۴۸ - ۴۴۹،

ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

اسحاق فرزند امام صادق علیه السلام نقل می کند: نزد پدرم برخی گفتند آنها [مخالفان شیعه] گمان می کنند حضرت ابوطالب [علیه السلام] کافر بوده است؛ پدرم فرمود: دروغ می گویند، چگونه ایشان کافر است درحالی که این اشعار را سروده است:

مگر نمی دانید ما محمد را پیامبری همچون [حضرت] موسی می دانیم که در کتابهای نخستین نیز بشارت به ایشان داده شده است.

در حدیث دیگری نقل شده است، چگونه ایشان کافر است درحالی که این اشعار را بیان نموده است:

آنها [مشرکان] می دانند که ما فرزندان را تکذیب نمی کنیم و توجهی به گفتارهای باطل نیست

او سفید رویی [آبرومند در درگاه الهی] است که ابرها به واسطه و برکت صورت ایشان طلب باران می کنند. وی

فریاد رس یتیمان و پناه زنان مسکین است.

روایت دوازدهم

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَمَّا تُوْفِّي أَبُو طَالِبٍ نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْرُجْ مِنْ مَكَّةَ فَلَيْسَ لَكَ فِيهَا نَاصِرٌ وَتَارَتْ قُرَيْشٌ بِالنَّبِيِّ ص فَخَرَجَ هَارِبًا حَتَّى جَاءَ إِلَى جَبَلٍ بِمَكَّةَ يُقَالُ لَهُ الْحُجُونُ فَصَارَ إِلَيْهِ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأصول من الكافي ج ۱ ص ۴۴۹، ناشر:

اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

عبید بن زرارہ از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: وقتی حضرت ابوطالب علیه السلام از دنیا رفت، جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شد و عرضه داشت: ای محمد از مکه خارج شو زیرا در این شهر دیگر یاور و نصیری نداری؛ قریش نیز قصد حمله بر پیامبر صلی الله علیه وآله را داشتند، حضرت با ترس خارج شده و به سمت کوهی در مکه که نامش حجون بود، حرکت کرد، و در آنجا توقف نمود.

روایت سیزدهم

عن علي بن حسان ، عن عمه قال : قلت لأبي عبد الله عليه السلام . إن الناس يزعمون أن أبا طالب في ضحاح من نار ، فقال : كذبوا ، ما بهذا نزل جبرئيل على النبي صلى الله عليه وآله ، قلت : وبما نزل ؟ قال : أتى جبرئيل

في بعض ما كان عليه فقال : يا محمد إن ربك يقرؤك السلام ويقول لك : إن أصحاب الكهف أسروا الايمان وأظهروا الشرك فأتاهم الله أجرهم مرتين ، وإن أبا طالب أسر الايمان وأظهر الشرك فأتاه الله أجره مرتين ، وما خرج من الدنيا حتى أتته البشارة من الله تعالى بالجنة - ثم قال عليه السلام : كيف يصفونه بهذا وقد نزل جبرئيل ليلة مات أبو طالب فقال : يا محمد اخرج عن مكة فمالك بها ناصر بعد أبي طالب.

المجلسي، محمد باقر (متوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ٣٥ ص ١١١ - ١١٢، تحقيق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

علي بن حسان از عمويش نقل مي کند که گفت: به امام صادق عليه السلام عرض کردم ، مردم می گویند : ابو طالب در داخل تنگنایي از آتشیهای جهنم است. حضرت فرمود : دروغ می گویند، جبرئیل این سخنان را بر پیامبرش نازل نکرده است. راوی می گوید : گفتم جبرئیل چه گفته است؟

حضرت فرمود : روزی جبرئیل بر پیامبر خدا نازل شد و گفت : ای محمد ، خدای تو بر تو سلام می رساند و می فرماید : اصحاب كهف ايمان خود را پنهان داشتند و شرك را ظاهر می کردند، خداوند مزد آنها را دو مرتبه داد . ابو طالب هم ايمان خود را پنهان کرد و شرك را ظاهر نمود . خداوند به او هم دو مرتبه پاداش داد. ابوطالب از دنیا خارج نشد تا اینکه از ناحیه خداوند بشارت بهشت به او داده شد؛ سپس حضرت فرمودند: چگونه ابوطالب را اینگونه توصیف می کنند در حالی که در شب وفات ایشان جبرئیل نازل شد و گفت : ای محمد ، از مکه بیرون برو . چون پس از ابو طالب ، دیگر در مکه یاور و ناصر نداری.

روایت چهاردهم

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ أَبَا طَالِبٍ
أَسْلَمَ بِحِسَابِ الْجُمَلِ قَالَ بِكُلِّ لِسَانٍ

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأصول من الکافی ج ۱ ص ۴۴۹، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت ابوطالب به حساب حروف ابجد و بلکه به هر زبان که تصور شود، مسلمان شده بود.

البته، تصریح به ایمان ابوطالب «علیه السلام» محدود به روایات اهل بیت «علیهم السلام» نیست، بلکه در بعضی از کتاب های علمای اهل سنت نیز می توان شواهد و اعترافات روشنی بر ایمان ابوطالب علیه السلام یافت از جمله این شواهد سروده های است که در کتب اهل سنت نقل شده:

أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مِنْ كُلِّ طَاعِنٍ *** عَلَيْنَا بِسُوءِ أَوْ يَلُوحُ بِبَاطِلِ

الصالحی الشامی، محمد بن یوسف (متوفای ۹۴۲ هـ)، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد ج ۲ ص ۵۰۶، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴ هـ.

پناه می برم به خالق مردم از گروهی که به بدی بر ما طعن می زنند و یا ما را نسبت به باطل می دهند

شیخ مجد مکی از علمای معاصر اهل سنت، در کتاب «عقاید اهل سنت» چنین می نویسد:

مسلمانا اسلام و ایمان مترادف نیستند بلکه از حیث معنا متغایرنند، و از حیث مصداق بین آنها عموم و خصوص من وجه است؛ چون این دو در کسی مثل ابوبکر صدیق می یابند و در کسی چون ابی بن ابی سلول، اسلام از ایمان

جدا می شود و در شخصی مانند ابوطالب، ایمان از اسلام جدا می شود

مجد مکی، عقائد اهل سنت ج ۱ ص ۷۹، ترجمه: فیض محمد بلوچ.

از آنچه در اين نوشتار ذکر گرديد، مشخص شد که حضرت ابوطالب عليه السلام در انتشار اسلام و حمايت از رسول خدا صلي الله عليه وآله نقش جدي و بسزائي داشت و نه تنها مسلمان و مؤمن بوده است بلکه در درجه بالايي از ايمان بوده به گونه اي که ايمان ايشان بر تمامي مردم برتري دارد. بنابراین تمامي افرادي که نعوذ بالله به ايشان نسبت کفر و شرک مي دهند ، اين تفکرشان تنها محصول جهل و يا کينه نسبت به امير مؤمنان علي عليه السلام است.

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقيقاتي حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف